

پیش‌شو گب:

هسا کی اُمی نفرات بیشترأ بوستندره و تعداد اوشانی کی گیلکی نیویسی داب دستور سر، بحث دأرید و خأیید اونأ بدأنید، به ها نسبت زیادأ بئه، بوگفتیم بد نیئه ایبار دئه أ قواعد و نشانه‌نأ یادآوری بوکونیم، ایبار دئه بیگیم کی أ ایتأ همشکل رسم الخطه کی تأنه امرأ کمک بوکونه کی همدیگر لهجه‌یأ خؤب بخأنیم و بفأمیم و دئه نیاز ندأریم کی حتمن رادکفیم بیشیم ارأ اورأ تا بتأنیم باخی لهجه‌نأ بیشتاویم و بشناسیم و بخأنیم!

أ شماره، موضوع اصلی هأنه. داستان و نقد داستان، بمأنسته بعدی شماره ره..

سیل نابودگر گویش ها و زبان های محلی!

س. آماردوس - میرعماد م.

literature.glm@gmail.com

در گیله‌وای شماره‌ی ۱۱۰، نویسنده‌ای به نام دکتر هوشنگ سپهری، در مقاله-ی «باز هم درباره زبان گیلکی» مرقوم فرموده بودند: «... من به عنوان مدرس با حدود نیم قرن سابقه‌ی تدریس و سی سال سابقه‌ی قلم زنی و نشر کتب و سکونت سی‌ساله در منطقه‌ی گیلان و مجالست با اهالی و به ویژه جوانان بر این باورم که پژوهشگران، ادیبان و فرهیختگان عزیز گیلانی با وجود علاقه‌ی بسیار به فرهنگ و زبان رایج این ناحیه و انگیزه تقویت و احیا این زبان، همت خویش را به سایر جنبه‌های فرهنگی این سامان معطوف دارند و ... بیش از این در مسیر تموج سیل نابودگر گویش ها و زبان‌های محلی دست و پا نزنند و به واقعیت‌های فرهنگی و اجتماعی جهان بیشتر بیندیشند.» شما را به مقدستان سوگند



نمایه ی کارگاه داستان گیلکی

خانه ی فرهنگ گیلان

شماره ی سوم، ۱۵۸۴ شریر، ما.

دی‌ماه ۱۳۸۹

اگر خیرتان نمی رسد و نوشی نیستید دیگر شر مرسانید و نیش نباشید. نمی-شود زبان به نصیحت نگشایید؟! لابد نمی شود دیگر! وقتی سالهای سن به سن نوح نزدیک است، بقیه می‌شوند جفلائی محتاج ارشاد و راهنمایی که حتما باید هدایت شوند دیگر!

این مقاله با این جملات مشعشع به پایان می‌رسد: «شخصا بر این باورم که بهترین تعامل علمی، فرهنگی و اجتماعی ابنای بشر، انتخاب یک زبان جهانی با حفظ یک زبان (یا گویش محلی) است که دیر یا زود انسان به ضرورت آن پی خواهد برد و قهرا به آن سوی رهسپار خواهد شد.»

تک و پهلویمان دیگر به غرش افتاده است که چرا همه همیشه به خود اجازه می‌دهند در همه‌ی امور صاحب نظر باشند؟! البته واضح و مبرهن است که پاسخ خود را تاکنون نگرفته‌ایم. فرض را بر این می‌گذاریم که دکتر فوق‌الذکر و حضراتی از جنس و سن ایشان، با نیم‌قرن سخن‌فرسایی و قلم زدن، به

واقعیت‌های جهان می‌اندیشند و کارها انجام داده و می‌دهند کارستان! آخر دیگر چه حاجت به ما جوانان عاصی و یاغی است؟!

بگذریم! اُمی دلیل پر بو... قصدمان در این مقاله توضیح مختصری در مورد رسم الخط گیلکی است. یکی از دلایلش این است که از تکرار مکرر خسته (بخوانید ذله!) شده‌ایم! هر بار که میهمانی وارد جلسات داستان گیلکی می‌شود بحثی کهنه و توان‌فرسا پیش کشیده می‌شود که «آن چیست ده! نمی‌توانیم این رسم الخط را بخوانیم! ما هر طور که دلمان بخواهد می‌نویسیم!» (کور شویم اگر دروغ بگوئیم!) یکی از دوستان، پسری دارد که در فرنگ به دنیا آمده است. پسر می‌تواند به فارسی صحبت کند (لهجه‌اش شبیه لهجه‌ی سرکنسول روس در سریال میرزا کوچک است!) پسر اما نمی‌توانست به فارسی بنویسد و بخواند. آمد ایران و رفت اکابری که برای خارجگی-ها گذاشته بودند و شروع کرد به یاد گرفتن الفبای فارسی و بعد نوشتن! بی‌اعتراض و چک و چانه! «فارسی را با گیلکی مقایسه می‌کنید؟!» جواب آماده در آستین‌تان را تا مرز تهوع بسیار شنیده و خوانده‌ایم... کی، کی، کجا مقایسه کرد؟! البته که مقایسه-کردنی نیستند!

اگر رسم الخط گیلکی آموزش داده می‌شد، دیگر این همه ادا و اصول نمی‌دیدیم و نمی‌شنیدیم که آخر ما این علامت‌ها را نمی‌فهمیم! (آخیییییییی!) از بدو تولد الفبای فارسی را بلد بودید؟ کلاس اول دبستان یادتان هست دیگر؟ خاطر مکدرتان هست چطور صرف افعال را یاد گرفتید؟ چه زمانی آموختید که بگوئید: **می خواهیم می خواهی ... می خواهیم ...** ؟ ما این‌ها را خودآموز یاد گرفتیم و حالا تصمیم

داریم به شما هم بیاموزیم؛ البته اگر بخواهید! تا به امروز خط عربی به عنوان خط زبان گیلکی انتخاب شده و از آن استفاده می‌شود. چند علامت قراردادی دارد که باید آموخت در چه مواردی از آنها می‌شود استفاده کرد! همین و بس!

«اگر اینطوری بنویسیم کسی نمی‌فهمد که!» همین را فرمودید دیگر؟! شما را به همان فرنگی‌ریکه ارجاع و حواله می‌دهیم که بی‌سواد بود و امروز می‌نویسد و وبلاگی به زبان فارسی دارد!

گیله وا نزدیک به ۲۰ سال سن دارد و عمر جلسات داستان گیلکی به ۴ سال می‌رسد. آنچه سبب افسوس و حیرت است، این است که با این همه سابقه و ادعای گیلکی‌خوانی و گیلکی‌نویسی، به غیر از دو، سه نفر از جوانان نویسنده، سایر نویسندگان علائم قراردادی زبان گیلکی را رعایت نمی‌کنند! (رعایت باقی‌شوندگان و خوانندگان پیشکش!) یکی از دوستان ننه‌ای دارد که پس از فوت شوی گرانمایه در ۵۵ سالگی، به اکابر رفت و سواددار شد. پیش از آن، شوی اجازه‌ی تحصیل به او نمی‌داد! آن‌گاه نویسندگان و شاعرانی که اهل کتاب و مکتب و قلم و نوشتن‌اند، در یادگیری و به کاربردن این علائم و قراردادهای کاهلی و سستی می‌کنند! در صورتی که اگر عزیزان پیشکسوت از این قراردادهای استفاده کنند، سایر افراد و به ویژه جوانان در نوشتن صحیح از آنان پیروی می‌کنند.

حال این رسم الخط که سرش اینهمه زار و جوش زدیم و بندگان بی‌گناه را مورد عنایت قرار دادیم، چیست؟!

در نگارش نوشته‌های گیلکی به صورت کلی، نشانه‌های زیر کاربرد دارند: «ؤ» برای ضمه‌ی کشیده (که کشیدگی آن به اشباع‌صدای «او» - نمی‌رسد).

همچنین، تمامی ضمه‌هایی که در پایان کلمه قرار می‌گیرند. مثل: شو (شب) - شو‌ندرم/شو‌درم (دارم می‌روم) - امؤن درم (دارم می‌آیم) - بجؤر/جؤر (بالا) - بوستن/بوئن (شدن)

«أ» برای فتحه‌ی کشیده (که اندازه‌ی کشیدگی آن، به صدای کشیده‌ی «آ» نمی‌رسد)، و همچنین برای نشان دادن تمامی فتحه‌هایی که در ابتدا و پایان کلمه قرار می‌گیرند.

مثل: دارم/دائم (دارم) - مرأ/مأ (مرا) - ترأ/تأ (تو را) - تأنی (می‌توانی)

«ئ» برای کسره‌ی کشیده (که اندازه‌ی کشیدگی آن، به «ی» نمی‌رسد)

مثل: زئندرم/زئندرم (می‌زنم) - اُکئه؟(کی؟) بئم (می‌برم) - پئر(پدر) - دئه (دیگر)

لازم به ذکر است که نوع خوانش همزه‌هایی که در نوشتار گیلکی کاربرد دارند، با نوع خوانش همزه‌های نوشتار فارسی و عربی، متفاوت است و خواننده و کاربر مبتدی، باید توجه داشته باشد که با ذهنیت فارسی و عربی، به سراغ همزه‌های موجود در نوشتار گیلکی نرود.

به جای به کار بردن «تشدید» که علامتی غیرگیلکی‌ست، از تکرار دو حرف استفاده می‌شود.

«آ» برای آوای کسره/فتحه (Θ) که بین مضاف و مضاف‌الیه‌ها و صفت و موصوف‌ها قرار می‌گیرد و نشان دهنده‌ی اضافه شدن است. مثل:

نگین~ لچک (روسری نگین) - سورخ~ دسمال - دار~سبز~ ولگ (برگ سبز درخت)

«ا» (الف کوچک) نیز، نشانه‌ای است که گاهی در نوشتار گیلکی کاربرد دارد و نشان‌دهنده‌ی صدای فتحه، در پایان کلماتی که به «ه» ختم می‌شوند، می‌باشد. این حالت، زمانی پیش می‌آید که چنین کلماتی، در جایگاه مفعول جمله قرار گیرند، که علامت ذکر شده، آوایی را که در گیلکی، معادل «را» مفعولی در فارسی است، نشان می‌دهد. مثل: اُ خانه' بیدین (این خانه را ببین)

همچنین در جمع بستن چنین کلماتی نیز، این حالت پیش می‌آید (این نوع جمع بستن، تنها در بعضی مناطق کاربرد دارد)

مثل: زوپه'ن/زوپه'ن (جوانه‌ها) در پایان این قواعد کلی، یادآوری و بیان یک قاعده‌ی فرعی اما مهم، ضروری است، و آن قاعده، «نیم‌فاصله» است که بین نوشتار گیلکی و فارسی تفاوتی بر آن نیست. در نگارش، واژه‌ها به وسیله‌ی «فاصله» که به اندازه‌ی حجم یک حرف است از هم جدا می‌شوند. مانند: «أشان و اوشأن» همانطور که می‌بینید، بین این سه کلمه، دو «فاصله»ی کامل وجود دارد.

اما در واژه‌گان ترکیبی، نوع دیگری از فاصله کاربرد دارد که علاوه بر آنکه نشان‌دهنده‌ی ترکیبی بودن واژه است، ارتباط بخش‌های تشکیل‌دهنده را، در شکل‌گیری آن واژه‌ی مرکب بیان می‌کند. این نوع فاصله، در واقع، نصف فاصله‌ی عادی موجود بین واژه‌گان است، و «نیم‌فاصله» خوانده می‌شود.

مثال فارسی: علی اسفندیاری، بنیان‌گذار شعر نو، در ادبیات فارسی است.

همان‌طور که می‌بینید فاصله‌ی بین اجزای تشکیل‌دهنده‌ی واژه‌ی ترکیبی «بنیان‌گذار» کم‌تر از فاصله‌ی موجود بین سایر کلمات است.)

مثال گیلکی: می دس خاخوژون، ایمسال همه‌ته‌یی شوژون کج‌و‌اچینی! (بین اجزای کلمات «دس‌خاخوژون»، «همه‌ته‌یی»، و «کج‌و‌اچینی»، نیم-فاصله قرار گرفته است)

برای استفاده از علائم، در نرم افزار Word از این کلیدها استفاده کنید:

وُ کلیدهای شیفت و حرف V را همزمان فشار دهید.

أ کلیدهای شیفت و حرف N را همزمان فشار دهید.

ئ کلید M را فشار دهید. ضمه کلیدهای شیفت و حرف S را همزمان فشار دهید.

فححه کلیدهای شیفت و حرف D را همزمان فشار دهید.

کسره کلیدهای شیفت و حرف A را همزمان فشار دهید.

برای نیم فاصله، کلیدهای ctrl و - را همزمان فشار دهید.

برای نوشتن «» و «!»، به قسمت Insert رفته و سپس Symbol را انتخاب کنید. از بین سمبل‌های یونیکد، این سمبل را پیدا کنید. می‌توانید برای آن کلیدهای میانبر هم انتخاب کنید.

و اما فرهنگ‌های لغت و مراجعی برای آموزش زبان مادری

ویژگی‌های دستوری و فرهنگ واژه‌های گیلکی (گیلکی به فارسی). جهانگیر سرتیپ پور. نشر گیلکان

فرهنگ لغات احمد مرعشی. انتشارات طاعتی

فرهنگ گیل و دیلم (فارسی به گیلکی). محمود پاینده لنگرودی. انتشارات امیرکبیر

زبان گیلکی. مسعود پورهادی. انتشارات ایلیا. (به دلیل صرف فعل‌ها و آموزش دستوری زبان گیلکی، قویاً توصیه می‌شود!)

این کتاب‌ها را می‌توانید از فروشگاه نشر گیلکان واقع در خیابان امام خمینی، سه‌راه حاجی آباد، جنب بانک تجارت، تهیه فرمایید.

قرار بر این است از این به بعد در دوشنبه‌بازار، مسائل مربوط آموزش زبان و خط گیلکی نوشته شود. در شماره‌های بعدی در مورد صرف فعل‌ها و نکات دستوری مربوط به زبان گیلکی نوشته می‌شود.

لطفاً این نوشته یا فایل آن را که سایت خانه فرهنگ (www.kfgil.com)، بخش مربوط به داستان گیلکی قرار دارد، در اختیار سایر دوستان و علاقه‌مندان قرار دهید. چنانچه در این باره مطلب، پیشنهاد یا سؤالی داشتید (به غیر از بحث سر لهجه یا زبان بودن گیلکی و توصیه‌ی دست و پا زدن در سیل نابودگر! و زنجه موره‌ی «بلد نیستیم و نمی‌شود» و موضوعاتی کهنه، نخ‌نما و فرسایشی از این قبیل!) با ما در میان بگذارید. برای غنای این ستون با ما در ارتباط باشید.

پ.ن: شاید بهتر است این موضوع را روشن کنیم. به نظرمان چنانچه علائم و یا قراردادهای دیگری هم پیشنهاد شود، باید جدی گرفته شود و روی آن بحث شود. داد و درد این نوشته از این است که دوستان عزیز حتی حاضر به فراگیری و رعایت قراردادهای نیستند و...

آشنایی با نقدهای ادبی: نقد فرمالیستی

مهاپا

نقد فرمالیستی یکی از مهم‌ترین نقدهای قرن بیستم محسوب می‌شود. فرمالیسم (نامی که مخالفان بر آن نهادند) در روسیه تکوین یافت و بنیان‌های نظریه خود را مستحکم کرد. فرمالیسم پس از خاموشی چند دهه در اواخر قرن بیستم دوباره به شکلی نوین با عنوان نو فرمالیسم ظاهر شد. برخلاف انواع دیگر نقد‌های ادبی اثر را از مولفش جدا کرد.

در روسیه با راه‌افتادن انجمن‌های نقد و نظریه در سال‌های نخست قرن بیستم زمینه‌های شکل‌گیری فرمالیسم فراهم شد. دو انجمن یکی در مسکو با نام «انجمن زبانشناسی مسکو» و دیگری در سن پترزبورگ با عنوان «انجمن پژوهش زبان شعری» در این رابطه نقش اساسی داشتند. این عده در جست‌وجوی نقدی علمی بر ادبیات و هنر از آرای سمبولیست‌ها روی گرداندند و کوشیدند تا به شناخت آنچه موجب تمایز ادبیات می‌شود، دست یابند. به بیان دقیق‌تر، فرمالیست‌ها موضوع خود را متوجه ادبیت کردند. آنها می‌خواستند به شناخت و درک آن چیزی نایل آیند که یک اثر را از دیگر آثار جدا می‌سازد و به آن جنبه ادبی و هنری می‌دهد. به همین دلیل خود اثر بدون ارتباطی که می‌توانست با تاریخ و اجتماع داشته باشد، مورد توجه این دسته قرار گرفت. فرم یا شکل در نظر فرمالیست‌ها تمام آن چیزی بود که ادبیت را می‌ساخت. به همین دلیل، دستور زبان، آواشناسی، قواعد شعری، صناعات ادبی و نمادپردازی همگی بخشی از شکل محسوب می‌شدند.

شیمی گیون:

از این شماره تصمیم گرفته شد نظرات دوستان و میهمانان جلسات داستان گیلکی را در این ستون بنویسیم. نظرات خود را می توانید به literature.glm@gmail.com ارسال فرمایید، یا اینکه به مسئول دوشنبه بازار تحویل دهید.

احمد.م: چرا وقتی فردی به عنوان مجری جلسه، اداره‌ی جلسه را بر عهده دارد، آقای جکتاجی جای ایشان صحبت می کنند و از میهمانان نظر می خواهد؟! به عقیده‌ی من در این جلسه بیشتر رابطه‌ی مرید و مرادی برقرار بود! بیشتر صحبت ها حاشیه ای بود و کمتر به داستان ها و نقد آنها توجه می شد!

مریم.ن: جلسه‌ی خیلی خوبی بود. محیط گرم و صمیمی داشت. اما خیلی از داستان‌ها را نمی فهمیدم. چون با من از بچگی فارسی حرف زدند، نمی توانم مثل شماها که گیلکی زبان مادریتان است، صحبت کنم و گیلکی را متوجه شوم!

أمئه باخی بمؤنسته نیشته(جلسه)ؤن:

۱۱ بهمن

۲۵ بهمن

۲۳ اسفند

نیشتهؤن(جلسه'ن) ساعت ۵ بأظؤر
سرأگیته بنن.

گروه داستؤن ٔ هیئت اجرایی اعضا:
میرعماد موسوی- مهاجر معتمدی
مسعود حقانی

طراح لوگو «دوشنبه بازار»:
علی باغبان

زبان‌ها به الگوی معروف خود در زمینه ارتباط نائل می‌آید فرمالیسم روسی و پسافرمالیسم چکی تاثیر زیادی بر نقد پس از خود به ویژه نیمه دوم قرن بیستم داشته‌اند. این اشتقاق در دهه‌های پایانی قرن بیستم به افول گرایید و جای خود را پس از ساختارگرایی به پساساختارگرایی داد. اما با وجود رواج پساساختارگرایی، توجه دوباره‌ای به سوی فرمالیسم ایجاد شد. فرمالیسم به جهاتی می‌تواند نقد مناسبی برای پساساختارگرایی باشد، زیرا بیش از اینکه در جست‌وجوی ساختارهای کلان و فراگیر باشد، می‌تواند ساختارهای موردی هر اثر هنری را در اختیار منتقد قرار دهد. به همین دلیل، در حال حاضر شاهد بازگشت آرام جریان‌های هستیم که می‌توان آن را نوفرمالیسم نامید. نوفرمالیسم در عین پابندی به برخی از اصول اساسی فرمالیسم، تجربیاتی دارد که می‌تواند آن را از برخی محدودیت‌های فرمالیسم رهایی بخشد.

عکس: میر.ع.میم



در جست‌وجوی ادبیت، فرمالیست‌ها تاکید زیادی بر تمایزات زبان روزمره و ادبیات به ویژه شعر داشتند. یکی از نظریات بسیار معروف آنها در این خصوص کارکرد آشنایی‌زدایی ادبیات است. براساس این نظریه، ادبیات با آشنایی‌زدایی از زبان معمول و روزمره است که به ادبیت می‌رسد و این آشنایی‌زدایی در نوع نگرش آدمی به ادبیات، هستی و انسان تاثیرگذار است. با آشنایی‌زدایی است که می‌توان میان یک مقاله روزنامه‌ای و یک شعر ادبی تفاوت قائل شد. افرادی همچون آیخنباوم، توماشفسکی، اشکلوفسکی، تینتانوف به گسترش نظریه فرمالیستی پرداختند سرانجام با صدور حکمی از سوی حکومت استالین در سال ۱۹۳۰ تمام فعالیت‌های ادبی تعطیل شد و عمر حلقه فرمالیسم در سرزمین خود به پایان رسید. حلقه زبان‌شناسی پراگ در سال ۱۹۲۶ به همت ویلم ماتسیوس و با حضور جمعی از چک‌ها و روس‌ها تشکیل شد. از بنیانگذاران این حلقه می‌توان به ویلم ماتسیوس تروکا و موکاروفسکی و همچنین روس‌هایی همچون رومن یاکبسون و تروبتسکوی اشاره کرد. حلقه پراگ تاثیر زیادی بر زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی و به طور کلی درک هنری گذاشت. این حلقه به گسترش مباحث فرمالیسم روسی پرداخت و عناصری را بر آن افزود. یاکبسون از اعضای روسی و بنیانگذاران این حلقه محسوب می‌شود که نقش خاصی در توسعه اندیشه‌های فرمالیستی چه در روسیه و چک و چه در آمریکا و اروپای غربی ایفا نمود. او با ممیزات عقلی یا عاطفی زبان ادبیات و هنر را از بیان روزمره متمایز می‌کند، زیرا زبان هنری بر عاطفی بودن استوار شده است. یاکبسون با توسعه برخی